انجنیر سید مختار دریا
۰٦ جولای ۲۰۱۹

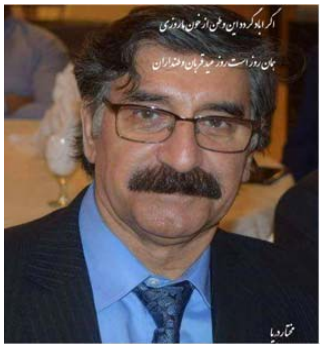

همگام بـاور

شبـی که باتــو در آغـوش بـاورت بـودم — چو درد نوش لب لعل و ساغـرت بـودم
بـریـده ام رگ نــرگس بـر آبشـار تنـت — حجــاب شـــوق تمنـــای بـــودنـت بـودم
سحــر دمیـده و مینــای گــردنـت بـلبـم — خمـار و مسـت زصهبای پیکـرت بـودم
توئی چو دختر خورشید در طلوع شفـق — مـن آن چـو شعلهٔ ناخفته در بـرت بـودم
نفــس پیـــامبـــر رازهـــای قـلبـــم بـود — چـو قاصدی به بنـا گوش مرمرت بـودم
فراز و شیب تنت جلوه گاه عشوه و شور — به تیـغ نـاز تـو جـان داده بیسـرت بـودم
نمــاد همــت پــروانه ســـان عشـق شدم — کـه سـر سپـرده و همگام بـاورت بـودم
به خلـوتم چو نهادی قـدم به فرش رهـت — دودیـده کـرده ام افسـوس کمتـرت بـودم
چو شورعشق شررمیزند به خرمن جان — مطیعـوار به فـرمان .. یک سـرت بـودم
نـویـد غیـب به دریـا رسید وقت سحـر — کـه مـن سپیـدهٔ همـرنـگ دفتـرت بـودم

"مختار دریا" کانادا ۱۷ سپتمبر ۲۰۱٦